برشی از روزنامه‌ها

در امتداد دشمن

روزنامه ایران در یادداشت دیروز خود نوشت: قریب چهار ماه پس از اتفاق تلخ درگذشت مرحومه مهسا امینی و آغاز اغتشاشات ناکام جریان ضدمردمی به پشتوانه بی‌نظیر سران کشورهای خارجی و عوامل ضدانقلاب با به‌کار انداختن همه عوامل لازم برای اخلال و تخریب در یک کشور می‌گذرد.

حمایت از آشوبگران با چشم بستن بر تعرض و تعدی آنان به جان و مال و نوامیس مردم و سپس تشکیک و تردید در احکام قضایی مجازات این اشرار، گام نخست نقش‌آفرینی این عناصر داخلی در تشجیع و تحریک دولت‌های غربی به آغاز پروژه تحریم‌های مردم ایران بود. در گام بعدی و به رغم حضور پرشور مردم در استقبال و حمایت بی‌نظیر از رئیس‌جمهور در مناطق مختلف کشور مانند یزد و بایکوت این اخبار، جریان مخالف دولت با القای عدم‌مقبولیت دولت مستقر، گام بعدی را اجرایی کردند. عناصر مخالف دولت که متأسفانه با دروغ بزرگ «طرف مردم بودن» در ماه‌های اخیر تلاش کردند با درگیر کردن دولت با حواشی، مانع از وقوع اتفاقات بزرگ و نجات کشور از چاه ویلی که دولت سابق کشور را در آن گرفتار کرده، بشوند، با اقدامات اخیر خود نشان دادند برای رسیدن به اهداف خود در مخالفت با دولت حتی از ضربه زدن به معیشت و زندگی مردم و همدستی با دشمنان ایران نیز ابایی ندارند.

سرمایه‌های سیاسی غرب در ایران!

روزنامه رسالت در یادداشت دیروز خود با اشاره به این مقدمه کوتاه که سرمایه‌های سیاسی غرب در ایران مدام در حال سوختن است، نوشت: دوران قاجار و پهلوی دوران سرمایه‌گذاری انسانی غرب در ایران بود. با ظهور انقلاب اسلامی، بخشی از این سرمایه‌ها به غرب کوچ کرد. بخشی از آن در داخل ماند تا زاد و ولد کند. از آغاز پیروزی انقلاب روزی نیست که جاسوسان، خودفروختگان و وطن‌فروشان زیر تیغ حذف نیروهای امنیتی و قضایی قرار نگیرند. علی‌رضا اکبری گاندوی انگلیسی اولین آنها و آخرین نیز نیست. این رشته سر دراز دارد. مسئله نفوذی‌ها همیشه یک مسئله اصلی در صیانت از امنیت ملی است.

نویسنده در ادامه با اشاره به افاضه اخیر خانم کلینتون، وزیر خارجه دوران اوباما و رقیب ترامپ، در مورد اغتشاشات اخیر در ایران که گفته «ما باید تماس‌های خود را با دوستان‌مان در ایران به ویژه روحانیون و نخبگان دانشگاه بیشتر کنیم و به آنها تفهیم کنیم»، اضافه کرده است: پاسخ آن است که سر فشار حداکثری سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی به سنگ خورده است. اراده ملت ایران بر اراده شبکه‌های جاسوسی دشمن و عناصر وطن‌فروش و تجزیه‌طلب و ضدانقلاب پیروز شده است. خانم کلینتون در زمینی دارد «دانه» می‌پاشد که مستعد همین حرف‌های فریب‌آمیز است. برخی از به اصطلاح روحانیونی که اخیراً حرف‌هایی زده‌اند، الهام از همین حرف‌های بی‌ربط خانم کلینتون است. ایضاً برخی سیاسیون هم همین حرف‌ها را با تفاوت‌هایی نشخوار می‌کنند. ما اکنون در مرحله «پسافتنه» هستیم. دشمن دارد تلفات خود همراه با هزینه‌های بربادرفته را احصا می‌کند. فاز بعدی فتنه چیست؟ از کجا سربرخواهد آورد؟ از این فتنه تا فتنه بعدی چقدر زمان داریم؟ سؤالاتی که باید در اتاق جنگ نرم و جنگ‌شناختی مراکز امنیتی، سیاسی، نظامی و قضایی پاسخ آن را یافت.

روش انگلیس در جنگ ترکیبی

روزنامه قدس با اشاره به مواضع اخیر دولت انگلیس که بریتانیا اعلام کرده است در حال بازبینی برجام پس از اعدام علیرضا اکبری، ابرجاسوس دستگاه اطلاعاتی انگلستان است، نوشت: ابتدا انگلیسی‌ها مسئله اعدام یک جاسوس به جرم اقدام علیه امنیت ملی را مطرح می‌کنند که به دنبال آن باید این سؤال را مطرح کنیم که اگر این عنصر ضدملی معدوم نمی‌شد، بازهم شاهد بهانه‌جویی آنها نبودیم و اگر حبس ابد به این فرد داده می‌شد، مشکلی پیش می‌آمد؟ اینها مسائلی است که خلط آنها با یکدیگر گرداب‌های ذهنی برای مخاطبان به وجود می‌آورد و این بخشی از تاکتیک انگلیس در جنگ علیه ملت ایران است. امروز بر اساس قوانین کشورمان اشد مجازات برای یک خائن، اعدام است و انگلیسی‌ها در گذشته چنین قانونی داشتند، اما در سال ۱۹۶۵ این قانون را در انگلستان و در کشور ایرلند در سال ۱۹۷۳ ملغی کردند. آنها همین محور را وسیله‌ای برای مداخله‌جویی قرار داده‌اند تا دیگران را وادار کنند مثل انگلیس باشند، این امر برای ملت‌های مستقل امکانپذیر نیست. دولت انگلیس هر چیزی را که بخواهد می‌تواند پاک کند، مگر حافظه تاریخی ملت‌های آگاه و کنشگر را. اینکه امروز انگلیسی‌ها رسماً ورود کرده و حمایت خود را از یک ابر جاسوس اعلام می‌کنند، یعنی می‌خواهند به شبکه جاسوس‌های خود در نقاط مختلف دنیا پیام حمایت و پشتیبانی بدهند. علیرضا اکبری، جاسوس بریتانیا تابعیت انگلستان داشت. یکی از روش‌های براندازی توسط دولت بریتانیا نفوذ مدنظر آنها در سطوح امنیت ملی و دستگاه‌های تصمیم‌گیری کلان است. می‌توان اذعان کرد، خردگرایی و هوشیاری جمعی، آغازی بر پایان نفوذ دولت‌های استعماری خواهد بود.

نگاه غربی، زن را بدون خانواده می‌خواهد

گزارش

رهبر معظم انقلاب در دیدار اقشار مختلف بانوان با اشاره فاجعه‌آمیز بودن نگاه غرب به مسئله زن خطاب به بانوان عالم و دانشمند فرمودند: «یکی از کارهای مهم شما همین است که فاجعه‌آمیزی نگاه فرهنگ غربی به مسئله جنسیت و مسئله زن را افشا کنید». ۱۴۰۱/۱۰/۱۴

از همین رو «ریحانه» بخش زن، خانواده و سبک‌زندگی رسانه KHAMENEI.IR در سومین مطلب از پرونده غرب از زبان غرب، به مسئله غیبت خانواده در اسناد بین‌المللی حوزه زن می‌پردازد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، سند توسعه هزاره ۲۰۱۵، سند توسعه پایدار ۲۰۳۰، میثاق‌های بین‌المللی، این عناوینی که فهرست شد، تنها نام برخی از اسناد بین‌المللی با شعار حمایت از حقوق بشر و به طور خاص حمایت از جنس زن است.

این اسناد بخشی از پازل لیبرال دموکراسی غرب برای دفاع از زن است، اما حالا با چند دهه اجرای چنین قوانینی در جوامع، امروز زن در دنیای غرب در کدام نقطه ایستاده است؟ این پشته از اسنادی که بندبه‌بندش مدعی رساندن زن به حقوق برابر و تبعیض‌زدایی از جوامع است، چه آورده‌ای برای زنان غربی داشته است؟

واضح است که برای حمایت از زن ابتدا باید درک درستی از هویت او و نقش‌های متعدد و چالش‌هایی که تجربه می‌کند، داشت. از بین نقش‌هایی که زن بر عهده دارد، مادری کردن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نقش مادر در باورهای دینی و اعتقادی، افسانه‌ها و اسطوره‌های تمام ملل جهان جایگاه مهم و نفوذ عمیقی دارد که هرگز نمی‌توان از آن چشم پوشید، اما در همین نقطه می‌توان پرسش مهمی مطرح کرد: سکوت اسناد بین‌المللی در قبال نقش مادری به چه دلیل است؟ خانواده در کجای این اسناد قرار دارد؟ در حالی که تشکیل خانواده و ایفای نقش در آن، در فطرت خلقت قرار دارد و نمی‌توان به هیچ‌وجه انکارش کرد یا نادیده‌اش گرفت.

اسناد بین‌المللی با اصل قراردادن مرد، به دنبال آن هستند که حقوق زن را همه آن چیزی تعریف کنند که مرد به طور غریزی یا بر اساس ساخت جوامع داراست. این گزاره هرگز به معنای نادیده‌گرفتن ظلم تاریخی به جنس زن نیست، بلکه به دنبال بیان این موضوع است که اگر زن در جوامع تحت ستم قرار گرفته است، آیا مسیر اسناد بین‌المللی می‌تواند زن را به آن شأن و حقوق اصلی‌اش بازگرداند؟

اگر زن در دوره جاهلیت در غرب و شرق تحت‌ستم بوده است، امروز نیز با اسناد بین‌المللی مواجه است که همچنان تمایزات جنسیتی او را نادیده می‌گیرند، اما به طور گسترده در خصوص نحوه زیست جنسی او اظهارنظر می‌کنند!

نگاه غربی حاکم بر اسناد بین‌المللی همواره زن را از دریچه مردانه و جدای از هرگونه پیوندی میان جنس و ویژگی‌های جنسیتی نگریسته است.

برابری به ظاهر تنها دغدغه این اسناد است، اما خبری از عدالت نیست. آیا در این آزادی و برابری که برای زن به ارمغان می‌آورند، تفاوت‌های خُلقی و خَلقی زنان و مردان اعمال شده و به اهمیت تبعیض مثبت به‌نفع زنان پرداخته شده است؟ آن هم زنانی که طبق همین شعار برابری، بیرون از خانه به اندازه مردان کار می‌کنند و وقتی نوبت به درون خانه می‌رسد، شغل دوم یعنی خانه‌داری و فرزندداری را شروع می‌کنند، بی‌آنکه این اسناد بین‌المللی درباره نقش‌های درون خانواده که اصلی‌ترین نقش‌های منطبق بر جنسیت زنانه است، سخنی به میان آورده باشند، به طوری که می‌توان گفت برخی بندهای معاهدات بین‌المللی، جایگاه زن را تا حد شریک جنسی صرف تنزل داده و برداشتن هر گونه قید از این موضوع را تعبیر به حقوق زن کرده‌اند!

نکته حائز اهمیت این است: در حالی که نظام سلطه کشورها را برای پیوستن به اسناد بین‌المللی تحت فشار قرار می‌دهد و آنان را متعهد به اجرای این اسناد می‌کند، در عین حال می‌بینیم که امریکا تنها کشوری است که در بین ۱۹۵ کشور دنیا زیر بار پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک نرفته است. بهانه امریکا برای نپیوستن به این کنوانسیون، نادیده‌گرفته‌شدن خانواده در حمایت از کودکان است.

یکی از مصادیق برابری برای غرب، حق اشتغال زنان و بهره‌مندی از موقعیت یکسان و برابر در محیط کار است که اسناد بین‌المللی همیشه به آن اشاره می‌کنند.

این موضوع گرچه فاصله مردان و زنان را در محیط و وضعیت کاری کم کرده و ساعت کاری زنان را به اندازه مردان طولانی کرده است، اما به همان نسبت روابط مادر و فرزند سرد شده و دیگر وقتی برای رسیدگی به کودکان نمانده است.

تلاش‌ها برای برابری در حالی است که مادری کردن جزئی از فطرت زنانه است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

اولویت‌یافتن شغل و درآمد به نقش مادری به حدی است که باب جدیدی در ارائه خدمات تحت عنوان خدمات مراقبتی از کودکان در سیاست‌های رفاه جوامع غربی گشوده شده است؛ سیاستی که اگر چه در ظاهر فریبنده و به دنبال کریمانه جلوه‌دادن رفتار دولت‌هاست، اما در عمل نشان از نگاه دست‌چندمی به مسئله تربیت کودک و بی‌اهمیتی آن نزد چنین جوامعی دارد. دیدگاه سرمایه‌داری از توجه به مادر و نقش مادری عوایدی به جیب نخواهد زد، اما زن در نقش نیروی کار که در بسیاری از جاها نیروی کار ارزان نیز شمرده می‌شود، کاملاً در جهت تأمین منافع آن است.

> **در نگاه غربی حاکم بر اسناد بین‌المللی، زن به معنای مقابل و در تضاد مرد معنا شده و هیچ‌گاه هویت جمعی او در بستر خانواده در نظر گرفته نشده است. چشم‌پوشیدن بر اهمیت نقش خانواده نتیجه‌ای پیش‌بینی شدنی دارد. نگاه غربی می‌گوید ما از صرف زن و فردیت او بدون توجه به جامعه و خارج از تمام نقش‌هایی که در طول زندگی بر او محول می‌شود، حمایت می‌کنیم، در نتیجه در مواقعی نهاد خانواده در مقابل حمایت‌های ما ساختاری ظالمانه به حساب می‌آید که جلوی آزادی‌های زنان را می‌گیرد**

غرب تغییرات گسترده‌ای را در نگاه به زن تجربه کرده است. انقلاب جنسی که نامش را زیاد شنیده‌ایم، نقش‌ها را تغییر داد. زنان بازنده این تغییر نقش‌ها بودند و کمرنگ‌شدن نهاد خانواده مهم‌ترین حاصل این انقلاب بود.

زنی که تا پیش از این مادری و همسری کردن را مهم‌ترین وظیفه خود می‌دانست و در حصار امن خانه قرار داشت، حالا بیش از گذشته امکان حضور در صنعت و اشتغال را داشت، اما همچنان با سطح حقوقی کمتری از مردان یا به بیانی دیگر کارگری ارزان.

بر اساس داده‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تنها در امریکا در سال ۲۰۲۱ درآمد زنان به طور میانگین ۱۶درصد از درآمد مردان کمتر بوده است.

فضا برای حضور زن در عرصه اشتغال فراهم شد، بی‌آنکه ظرافت‌های جسمی و روحی او در قوانین کار دیده شود و بی‌آنکه حضور در خانواده را برای او تضمین کند.

بر اساس داده‌های بانک جهانی عمده زنان سرپرست خانوار در کشورهای غربی زنانی هستند که یا هیچ‌گاه خانواده‌ای تشکیل نداده‌اند یا طلاق گرفته‌اند.

نکته حائز اهمیت آن است که لیبرال دموکراسی غرب به عنوان مؤلف شعارهای برابری و احیای حقوق زن، واقعیت‌های ضدزن نظیر زنانه‌شدن چهره فقر را چگونه توجیه خواهد کرد؟ سال‌ها اجرای این اسناد در کشورهای اروپایی چرا حتی منجر به بهترشدن وضعیت مادی زنان نشده است؟

بر اساس گزارش پارلمان اروپا، شکاف فقر مبتنی بر جنسیت در ۲۱کشور عضو از سال ۲۰۱۷ افزایش یافته است.

واقعیت این است که سال‌هاست کمیت غرب در پاسخ به این سؤال که جایگاه خانواده در این اسناد کجاست می‌لنگد و به همین ترتیب پاسخی هم برای وضعیت خانواده در جوامع غربی ندارد.

چگونه می‌توان ادعای حمایت از حقوق زن و ادعای توانمندساختن زن را داشت، بی‌آنکه نقش زن را در مهم‌ترین نهاد اجتماعی و نخستین جایگاهی که او در آن زیست می‌کند، نادیده گرفت؟

در نگاه غربی حاکم بر اسناد بین‌المللی، زن به معنای مقابل و در تضاد مرد معنا شده و هیچ‌گاه هویت جمعی او در بستر خانواده در نظر گرفته نشده است. چشم‌پوشیدن بر اهمیت نقش خانواده نتیجه‌ای پیش‌بینی‌شدنی دارد.

نگاه غربی می‌گوید ما از صرف زن و فردیت او بدون توجه به جامعه و خارج از تمام نقش‌هایی که در طول زندگی بر او محول می‌شود، حمایت می‌کنیم، در نتیجه در مواقعی نهاد خانواده در مقابل حمایت‌های ما ساختاری ظالمانه به حساب می‌آید که جلوی آزادی‌های زنان را می‌گیرد.

بنا بر این نظر، زن حق دارد از ساختار خانواده هر زمان که اراده کرد بیرون بیاید و ما نیز از او حمایت می‌کنیم. پیش‌تر از آن هم، وقتی به زنان و مردان جدا و خارج از خانواده ارج بنهیم و حمایت کنیم، طبیعی است که کسی زیر بار تشکیل خانواده نخواهد رفت.

چنین نگاهی نهایتاً در جامعه غربی موجب فروپاشی نهاد خانواده و رواج زندگی‌ها و روابط جنسی خارج از نهاد خانواده شده است.

این بی‌بندوباری در نهایت به ضرر زنان و موجب پایمال‌شدن حقوق زنان خواهد بود. افزایش زندگی‌هایی که اصطلاحاً آن را هم‌باشی یا رابطه بدون تعهد می‌نامند و افزایش موالید خارج از رابطه قانونی، تنها بخشی از آورده‌های اسناد بین‌المللی در حوزه زن برای زنان جهان به ویژه زنان غربی است.

سنگتو

افشاگری درباره سرقت ۴۰ میلیارد دلاری خاندان پهلوی حین فرار از ایران

هر چه از پیروزی انقلاب اسلامی فاصله می‌گیریم، نه تنها خاندان منحوس پهلوی که بعضی از پژوهشگران تاریخ، درباره پول‌ها، جواهرات و طلاهایی که بستگان محمدرضا پهلوی و مدیران ارشد طاغوت از کشور خارج کرده‌اند، ذهن‌ها را دچار تشکیک و تردید می‌کنند، اما حافظه تاریخی ملت ایران هم اگر فراموش کرده باشد، دو روزنامه امریکایی و انگلیسی نیویورک‌تایمز و فایننشال تایمز در افشاگری‌های ۴۴سال اخیر خود به ارقام تکان‌دهنده دزدی خاندان پهلوی و مدیران ارشد رژیم طاغوت اشاره کرده و فقط میزان پول‌هایی را که آنان با خود برده‌اند، بالغ بر ۴۰میلیارد دلار تخمین زده‌اند.

روزنامه‌نیویورک‌تایمز در دهم ژانویه ۱۹۷۹ با استناد به گفته منابع بانکی جهانی نوشت: مبلغی بین ۲ تا ۴میلیارد دلار فقط در طول دو سال آخر حکومت پهلوی از سوی خانواده سلطنتی ایران به امریکا منتقل شده است.

روزنامه «فایننشال تایمز» نیز در سال ۱۳۹۱ به بهانه وقوع انقلاب‌های عربی، میزان دارایی‌های خارج‌شده توسط محمدرضا پهلوی را ۳۵میلیارد دلار اعلام کرد. این در حالی است که ۱۳۰میلیون دلار نیز توسط هفت مدیر ارشد کشور از ایران خارج شده است.

در همان سال‌ها کریستین ساینس مانیتور در مقاله‌ای ضمن بررسی بخشی از فهرست اموالی که شاه از ایران خارج کرده بود با تیتر «ثروت افسانه‌ای شاه ایران» نوشت: آیا ثروتی که شاه از ایران خارج کرده است افسانه‌ای است؟ بله، افسانه‌ای است، زیرا تاکنون هیچ کس جز شاه مخلوع نمی‌داند هنگام خروج از ایران در ۱۶ژانویه ۱۹۷۹ دقیقاً چه مقدار پول با خود برده است.

■ شاه در این دزدی دست تنها نبود!

«یرواند آبراهامیان» از تاریخ‌نگاران برجسته ارمنی-امریکایی در کتاب «ایران بین دو انقلاب» ضمن اشاره به مقاله روزنامه «نیویورک تایمز» در آن زمان درباره بنیاد پهلوی آورده است: «به نوشته نیویورک‌تایمز در پس ظاهر فعالیت‌های خیریه، این بنیاد به سه منظور به کار می‌رفت: به عنوان منبعی از درآمد برای خاندان سلطنتی، به عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ در بخش‌های مهم اقتصاد و به عنوان مجرای پاداش به حامیان رژیم.»

این استاد دانشگاه امریکایی همچنین درباره اموال به غارت رفته توسط نزدیکان محمدرضا پهلوی و دربار سلطنتی با استناد به آمار بانک مرکزی در آغازین روزهای انقلاب اسلامی می‌نویسد: «بانک مرکزی ایران لیستی را از ۱۷۷نفر از اشخاص برجسته (رژیم پهلوی) منتشر کرد که جمعاً حدود ۲میلیارد دلار را به خارج از این کشور منتقل کرده بودند. برخی از مهم‌ترین افراد در بین آنها به این شرح است:

- جعفر شریف امامی، حدود ۳۱میلیون دلار
- غلامعلی اویسی، ۱۵میلیون دلار
- نمازی، ۹میلیون دلار
- ناصر مقدم، ۲میلیون دلار
- شهردار وقت تهران، ۶میلیون دلار
- وزیر وقت بهداشت، ۷میلیون دلار
- مدیر شرکت ملی نفت ایران، بیش از ۶۰میلیون دلار

■ چمدان‌های پر از جواهرات چه شد؟

بسته‌بندی و جمع‌آوری دلارهای امریکایی که از ماه‌ها قبل نقداً جمع شده بود، توسط بخش مالی دربار انجام شد. تاج شاهنشاهی با ۳هزار و ۳۸۰ قطعه الماس و ۵۰قطعه زمرد، ۳۶۸حبه مروارید و با وزن دو کیلو و ۸۰گرم و از نظر قیمت غیرقابل تخمین و تاج ملکه با هزار و ۶۴۶ قطعه الماس و تعداد قابل توجهی از جواهرات دیگر و طلا به ارزش دهها میلیون دلار به عنوان بخش اندکی از جواهرات ربوده شده سلطنتی هستند. بسته‌بندی این گنجینه‌ها سرعتی خاص می‌طلبید که باید درون چمدان‌ها و صندوق‌ها جای داده می‌شد. در جریان این بسته‌بندی‌ها بسیاری از جواهرات توسط اعضای تیم بسته‌بندی دزدیده شد و هرگز ردپایی از آنها به دست نیامد.

■ خریدها و غارت‌های قبلی

البته این تنها بخشی از سرقت بزرگ خاندان پهلوی بود. آنها در سال‌های قبل هم مبالغ هنگفتی را بابت خرید خانه و ویلا در کشورهای مختلف از جمله سوئیس، ایتالیا، انگلیس و امریکا هزینه کرده بودند که یکی از معروف‌ترین آنها کاخ گل رز در سوئیس بود که به مبلغ ۱/۵میلیون فرانک سوئیس خریداری شد و مدتی هم در اختیار برلوسکونی بود که در نهایت توسط خاندان پهلوی به مبلغ ۱۰میلیون فرانک فروخته شد.

علاوه بر قصرها و باغ‌هایی که مستقیماً به نام محمدرضا پهلوی و خاندان وی درآمده بود، شاه در خارج از کشور نیز املاک بسیاری داشت که می‌توان به گران‌ترین خانه و پارک در حومه لندن، قصر و باغ‌های «استیل مانس» که ملکه الیزابت دوم در آنجا متولد شد، اشاره کرد. همچنین گران‌ترین باغ و ساختمان در ناپل (ایتالیا) متعلق به او بود. شاه در کاپری یک باغ بزرگ و ویلایی مجلل داشت. همچنین قصر مجللی هم در سنت‌موریس داشت که زمستان‌ها را در آنجا می‌گذراند، به نحوی که سنت‌موریس سوئیس در بین دیپلمات‌های خارجی به پایتخت زمستانی ایران معروف بود! شاه همچنین در سال ۱۳۵۰ یک جزیره در اسپانیا به مبلغ ۷۰۰میلیون دلار خریداری کرد.

طبق نوشته روزنامه «دیلی‌اکسپرس» چاپ لندن مورخ ۲۸مارس ۱۹۷۸ شاه یک ملک بزرگ هم در منطقه کوه‌های راکی امریکا به قیمت یک‌میلیون پوند انگلیس خریده بود. میزان ثروت و دارایی‌های شاه مخلوع در خارج از کشور به حدی بود که تنها اشرف پهلوی، خواهر وی در نوروز سال ۵۳ در یک قمارخانه در شهر کن در یک شب ۱۵میلیون فرانک باخت!

به نظر می‌رسد بخشی از پول‌ها و جواهراتی که از جیب مردم ایران به سرقت رفت، بابت خرید زمین مشهوری در لس‌آنجلس که به گران‌ترین زمین جهان مشهور شد، هزینه شد، اما رضا پهلوی سال ۲۰۲۱ آن را به قیمت یک‌میلیارد دلار فروخت و معلوم نیست پول آن را صرف چه کاری کرد.

منبع: فارس

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۶۷۹

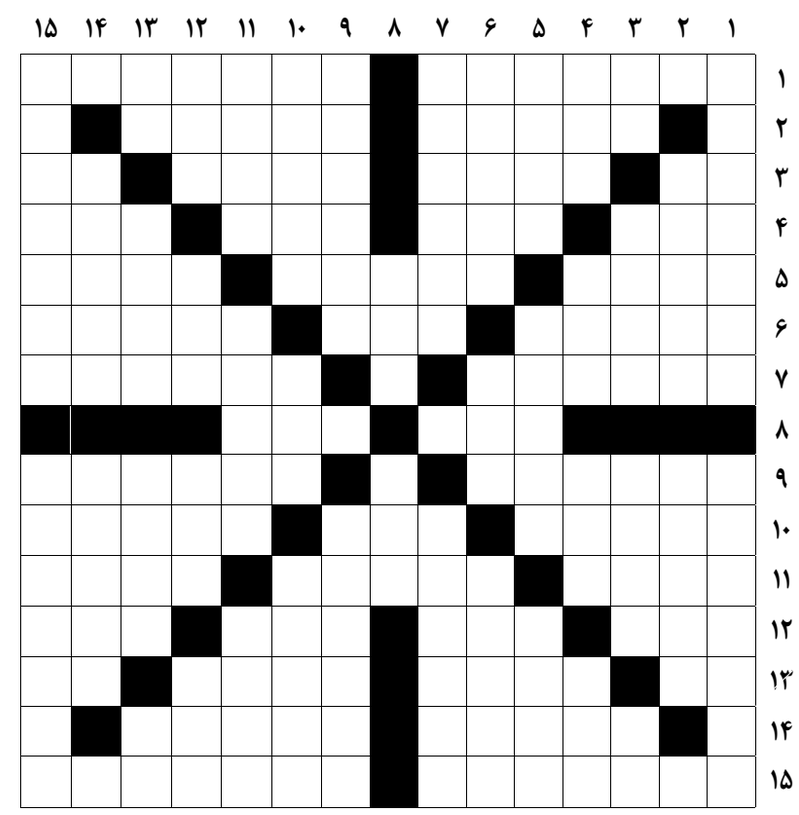

از راست به چپ

■ ۱- تنیس روی میز- از بین رفته ■ ۲- ترعه- مهد دلیران ■ ۳- تیر پیکاندار- دوربین اینترنتی- جای دوشاخهٔ برق- بچه می‌زند ■ ۴- همراه تب- سلام انگلیسی- تیم فوتبالی در یونان- دانه‌کش بی‌آزار ■ ۵- نوعی آبگوشت- آمیخته به هم- بلند و مرتفع ■ ۶- بازیکن شیلیایی سابق اینتر و بارسا- سبزی ضد سرطان- راستا حسینی ■ ۷- سردار خائن داریوش سوم- آسمان دره ■ ۸- کارتخوان سیار- طعام ■ ۹- از طوایف کرد- مثلث اسرارآمیز اقیانوس اطلس ■ ۱۰- پهلوان ایرانی معاصر بهرام گور- پشت سر- جانوری موهوم با زهر کشنده ■ ۱۱- کشوری در قاره آفریقا- پهن‌ترین آبشار جهان واقع در لائوس- نوعی نان ■ ۱۲- فلز چهره- صورت غذای رستوران- خروس عربی- شهر شیشه‌گران آلمان ■ ۱۳- ماه سرد- ترشی بادمجان- ثانیاً نشده- بانگ چوپان ■ ۱۴- پایتخت دولت آشور- سروصدای زیاد ■ ۱۵- قضاوت مغرضانه- ورزش رزمی کره‌ای

از بالا به پایین

■ ۱- فلزی سبک که در صنایع هوافضا کاربرد دارد- ملاقه بزرگ ■ ۲- وزیر حضرت سلیمان نبی (ع)- گوشه‌ای در دستگاه‌های سه‌گاه و شور ■ ۳- چانه گیلانی- حی- شهرآورد- چوب خوشبو ■ ۴- پیشانی سفید معروف- تابستان آذری- رنگ- همسر یعقوب نبی ■ ۵- محصول گرگان- پایتخت بولیوی- بهشت ■ ۶- به مراد خویش نرسیده- امتحان- مصرف‌شمار ■ ۷- گلی که نشانه عشق، افتخار، برتری و جذابیت است- از رنگ‌های گرم ■ ۸- مزه حقیقت- وصله ناپیدا ■ ۹- بمب آتش‌زا- ماله بنایی ■ ۱۰- واحد سنجش الماس- دروغ- غول و عظیم‌الجثه ■ ۱۱- انباز- بهترین نوع چای- سرمربی لیورپول ■ ۱۲- از پرندگان شکاری- خوش‌پوش- خواندن این سوره برای برآورده شدن حاجات بسیار مؤثر است- سرند ■ ۱۳- رود فرانسوی- موزیک نظامی- بدهکار- خطاب بی ادبانه ■ ۱۴- پایتخت کالدونیای جدید- زمام ■ ۱۵- سالار ملی- نام سلطان محمد پیش از آنکه مسلمان شود

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۳	۱						۶	
	۴		۷			۸		
			۲		۹			
		۳				۴		۸
				۸	۷			
۱	۹							
		۷		۶	۸			۹
۶		۱						۷
			۱		۴			

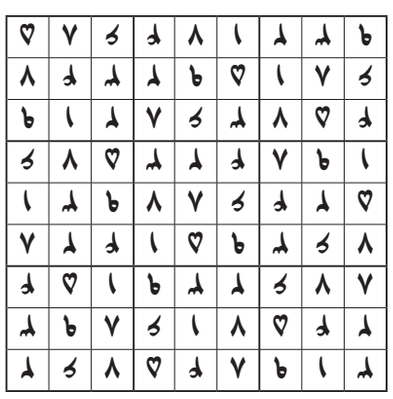

جدول کلمات متقاطع
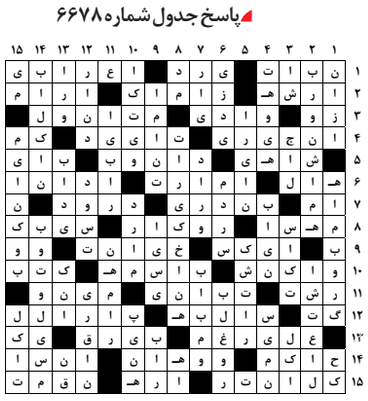
پاسخ جدول شماره ۶۶۷۸